

## معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه‌ی زینوآباد-بهار، همدان

مریم محمدی\*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

mohammadi7586@gmail.com

محمد شعبانی

کارشناس ارشد باستان‌شناس اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۲۳

(از ص ۱۳۵ تا ۱۵۰)

### چکیده

دشت همدان-بهار واقع در کرانه‌های شمالی کوه الوند در استان همدان با داشتن شرایط مناسب زیستی، از جمله؛ خاک حاصلخیز، مجموعه‌ای از رودخانه‌های دائمی و فصلی و موقعیت ارتباطی و تجاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های جوامع انسانی در دوره‌های مختلف تاریخی در غرب ایران شناخته می‌شده است. محوطه‌ی نویافته‌ی «زینوآباد» با وسعتی بیش از ۶ هکتار، بعد از محوطه‌ی هگمتانه، بزرگترین محوطه‌ی دوره‌ی اسلامی این دشت محسوب می‌شود که طی بررسی محوطه‌های اسلامی این دشت در طول تابستان سال ۱۳۹۴ توسط نگارندگان مورد شناسایی قرار گرفت. در این بررسی از یک‌سو به‌دلیل تنوع و فراوانی گونه‌های شاخص سفال اسلامی محوطه‌ی زینوآباد و از سوی دیگر به‌منظور معرفی سفالینه‌های اسلامی منطقه، این محوطه به‌صورت جداگانه و با روش بررسی سیستماتیک و با رویکردی جدید مورد مطالعه قرار گرفت. هدف اصلی در این مقاله معرفی گونه‌های سفال‌های اسلامی منطقه‌ی همدان با تکیه بر مطالعات سفالینه‌های محوطه‌ی زینوآباد است؛ علاوه‌بر این، در این مقاله سعی شده است به پرسش‌هایی از قبیل؛ انواع سبک‌های تزئینی سفالینه‌های اسلامی محوطه زینوآباد کدامند؟ و یافته‌های سفالی دوران اسلامی این محوطه مربوط به چه قرونی هستند؟ پاسخ داده شود. با مطالعات صورت گرفته مشخص گردید که ظروف بدون لعاب ساده، بدون لعاب با نقوش کنده‌شانه‌ای، ظروف منقوش با پوشش گلی از انواع معروف به ظروف نیشابور و ظروف شامپلیو یا شانلوه از سفالینه‌های قرون نخستین این محوطه می‌باشند. ظروف بدون لعاب با نقوش قالبی، لعاب‌دار ساده‌ی تک‌رنگ، ظروف معروف به قلم‌مشکی، سبک سیلوتو، سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد و سفالینه‌های منقوش روی لعاب از نوع زرین‌فام نیز از تکنیک‌های رایج سفالگری قرون میانه‌ی این محوطه محسوب می‌شوند. همچنین بیشترین حجم سفالینه‌های اسلامی مربوط به قرون میانه و به‌ویژه دوره‌ی ایلخانی است که سبک‌های رایج از قبیل قلم‌مشکی، سیلوتو، ظروف سلطان‌آباد و زرین‌فام‌های قرن هشتم، نمونه‌های از ظروف این دوره هستند. علاوه‌بر این مطالعات تطبیقی نشان داد که سفالینه‌های به‌دست آمده، قابل مقایسه با نمونه‌های خارج از این منطقه، از جمله: نیشابور، سلطان‌آباد، سلطانیه و تخت‌سلیمان و محوطه‌هایی از قبیل: هگمتانه، ارزانفود و سامن در داخل حوزه‌ی استان همدان می‌باشند.

**کلیدواژگان:** دشت همدان-بهار، زینوآباد، سفالینه‌های اسلامی، قلم‌مشکی، سیلوتو.

## مقدمه

محوطه‌ی نویافته‌ی زینوآباد در دشت همدان-بهار، بعد از محوطه‌ی بزرگ هگمتانه، به‌عنوان مهم‌ترین محوطه‌ی دوران اسلامی به‌شمار می‌رود. این محوطه به‌دلیل وجود حجم زیادی از سفالینه‌های دوران ساسانی و اسلامی، می‌تواند مبنای گاه‌نگاری دوره‌ی انتقال تا قرون میانی اسلامی این دشت مورد توجه قرار گیرد. بدین‌منظور، در طول بازنگری بررسی دشت مذکور، سطح این محوطه با روش بررسی سیستماتیک مورد پایش قرار گرفت. در انتها نیز با استفاده از این روش، حجم زیادی از قطعات سفالی به‌دست آمد که بعد از مطالعه و مقایسه‌ی تطبیقی، تمامی آن‌ها در ۳ گروه سفالینه‌های پیش‌ازتاریخی مربوط به دوران مس‌سنگی، سفالینه‌های تاریخی و سفالینه‌های دوران اسلامی تقسیم شدند. در انتها به‌منظور شناسایی توالی دوران اسلامی این محوطه، سفالینه‌های مربوط به این دوره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**پرسش:** پرسش‌های تحقیق را می‌توان چنین طرح کرد: سبک‌های تزئینی سفالینه‌های دوران اسلامی محوطه‌ی زینوآباد کدامند؟ یافته‌های سفالی دوران اسلامی مربوط به چه قرونی هستند؟ بر اساس یافته‌های سفالی، محوطه‌ی زینوآباد در کدام دوره از بیشترین اهمیت برخوردار بوده است؟

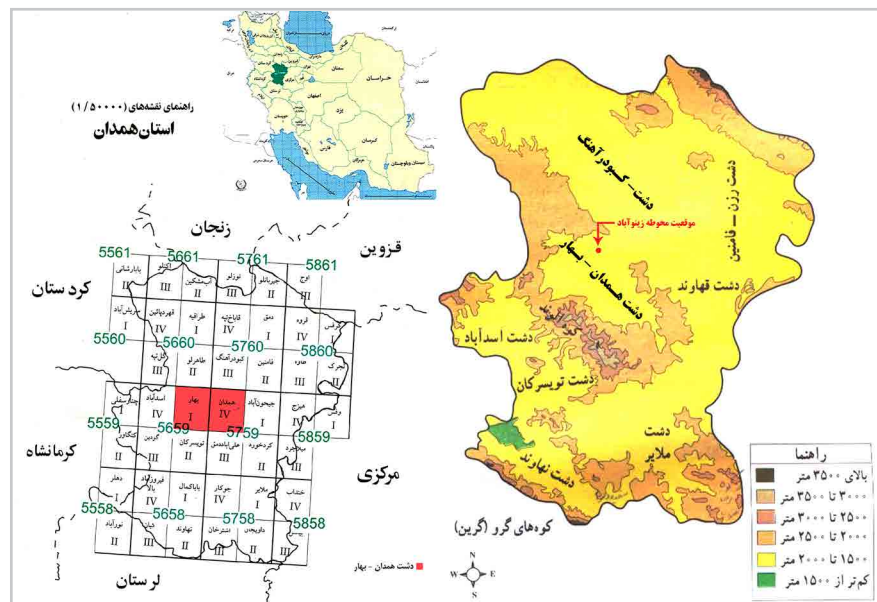
**روش تحقیق:** روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تطبیقی است و گردآوری اطلاعات آن نیز به دو شیوه‌ی میدانی و اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام گرفته است. در روش اسنادی تمامی اطلاعات و داده‌های مربوط به محوطه و منطقه‌ی قرارگیری آن، شامل؛ متون تاریخی به‌ویژه کتب مورخان و جغرافیدانان دوران اسلامی، تاریخچه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناختی منطقه، و همچنین تمامی منابع مقایسه‌ی سفالینه‌های اسلامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که در حفاریات علمی باستان‌شناسی به‌دست آمده و معرفی گردیده، جمع‌آوری شده است.

## پیشینه‌ی مطالعات

مطالعات پیوسته‌ی باستان‌شناسی مختص به دشت همدان بهار، عموماً مربوط به سالیان اخیر است. این مطالعات شامل، بررسی دشت همدان (Henrickson, 1986)، بررسی‌های بخشی از منطقه‌ی دشت همدان سویینی (Swiny, 1975: 77-96)، بررسی باستان‌شناسی منطقه‌ی بهار همدان در دوران آغاز تاریخی (ایوکی، ۱۳۷۷)، بررسی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان همدان (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۵)، بررسی باستان‌شناختی شهرستان بهار (بلمکی و مترجم، ۱۳۸۸) و بررسی دشت همدان و بخشی از حوزه‌ی رودخانه‌ی قره‌چای واقع در دشت کبودآهنگ (Blmaki & Niknami, 2012) از جمله اقدامات باستان‌شناختی منطقه می‌باشند. یکی از اساسی‌ترین مشکلات مطالعات صورت گرفته، نبود اطلاعات جامع و پیوسته از داده‌های باستان‌شناختی محوطه‌های استقرار دوران اسلامی است؛ علاوه‌بر این، در تمامی این مطالعات، هیچ اشاره‌ای به محوطه‌ی زینوآباد نشده است. شناسایی و معرفی این محوطه در طی بررسی نگارندگان در سال ۱۳۹۴ ه.ش. به‌منظور تحلیل محوطه‌های استقرار بخش مرکزی شهرستان همدان (حوزه‌ی دشت همدان بهار) از آغاز دوران اسلامی تا پایان دوران صفوی انجام گرفت (شعبانی، ۱۳۹۴).

## معرفی محوطه‌ی باستانی زینوآباد

محوطه‌ی باستانی زینوآباد در انتهای دشت همدان-بهار و در میان اراضی شمالی شهر مهاجران، از توابع شهرستان بهار استان همدان قرار گرفته است. دشت فوق از سمت جنوب به ارتفاعات الوند، از سمت غرب به ارتفاعات آلمابلاغ، شیخی‌جان و کمرزرد، از سمت شرق ارتفاعات ارجنی و قافلاتنه ارضی، محدود می‌شود (سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۶: ۴۷۵). محوطه‌ی زینوآباد در یک خط مستقیم از شهر همدان، ۳۴ کیلومتر فاصله دارد. این محوطه در موقعیت UTM: 39S 286189.8 3886085.31 و ارتفاع ۱۶۷۰ متری از سطح آب‌های آزاد واقع شده است (نقشه ۱). امروزه توپوگرافی عرصه‌ی ظاهری محوطه به‌شکل مربع و با شیبی ملایم و یکنواخت است. مساحت عرصه‌ی ظاهری تپه، بیش از ۶ هکتار است و ارتفاع آن در بالاترین نقطه از سطح زمین‌های اطراف ۱۲ متر قرار دارد (تصویر ۱).



► نقشه ۱. موقعیت محوطه‌ی زینوآباد در دشت همدان بهار (نگارندگان، ۱۳۹۴).

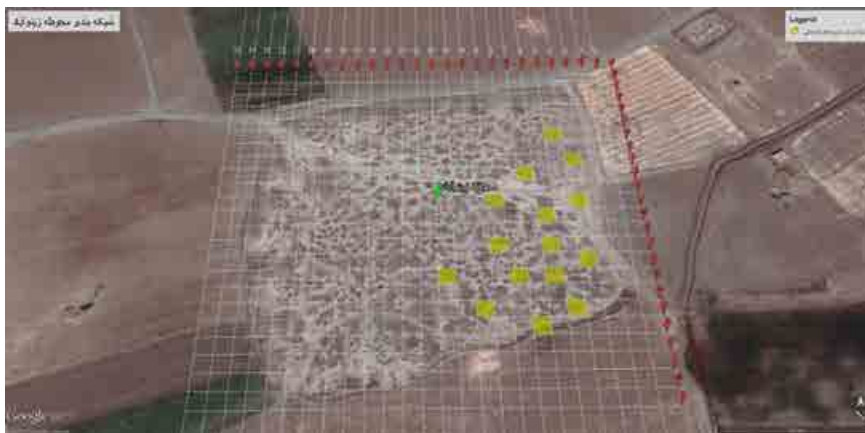


► تصویر ۱. ضلع غربی محوطه‌ی زینوآباد (نگارندگان، ۱۳۹۴).

## روش بررسی سیستماتیک محوطه و انتخاب نمونه‌ها

در مستندنگاری محوطه از بررسی روشمند باستان‌شناختی استفاده شده است، این روش با یک رویکرد جدید و با به‌کارگیری نرم‌افزارهای کاربردی مانند Google Earth و Map Source و همچنین دستگاه موقعیت‌یاب جهانی (GPS) مدل Trimble 5700، انجام گردید. در این روش ابتدا محوطه با استفاده از نرم‌افزار Google Earth و با ابزار

Polygon به موازات خطوط عرضی و طولی جغرافیایی زمین، به فاصله‌های ۱۰ متری تقسیم گردید و در انتهای هر نقطه یک مکان‌نشان (Placemark) قرار داده شد، و در انتها با اتصال نقاط، محوطه به مربع‌های ۱۰×۱۰ تقسیم گردید. ماحصل این اقدام، ایجاد ۶۰۰ مربع ۱۰×۱۰ بود. بر این اساس، با استفاده از فرمول کوکران و با محاسبه‌ی سطح خطای ۰,۰۵ درصد، از ۵۱۳ واحد مرتبط با عرصه‌ی محوطه، ۱۹۸ واحد، معادل ۳۸/۵ درصد محوطه نمونه‌برداری انجام گرفت. برای انتقال این شبکه بر روی سطح واقعی محوطه بعد از انتخاب شبکه‌های مورد نظر، موقعیت جغرافیایی چهار گوشه‌ی مربع مورد نظر که با استفاده از جدول تصادفی اعداد انتخاب شده بودند، بر حسب UTM تعیین گردید و با GPS بر روی سطح پیاده گردید (تصویر ۱).





















تصویر ۱. تعدادی از مربع‌های انتخابی در شبکه‌بندی محوطه (نگارندگان، ۱۳۹۴).

در مرحله‌ی نمونه‌برداری نیز مهم‌ترین بخش بررسی میدانی به‌شمار می‌رود، با استفاده از نمونه‌برداری طبقه‌بندی شده، داده‌های سفالی جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردید (علیزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۲-۱۹۰؛ نیکنامی، ۱۳۸۷: ۹۹-۸۷). پس از برداشت نمونه‌ها، ثبت و ضبط یافته‌های سفالی به انجام رسید.

### سفال‌های دوره‌ی اسلامی محوطه‌ی زینوآباد

بعد از بررسی سطحی محوطه در مجموع بیش از ۲۳۰۰ قطعه سفال جمع‌آوری گردید که ۱۲۰ قطعه مربوط به سفال‌های دوره‌ی مس‌سنگی، ۲۰۰ قطعه مربوط به دوران اشکانی-ساسانی، ۳۵۰ قطعه سفال شاخص دوره‌ی ساسانی و ۱۲۰۰ قطعه مربوط به سفال‌های اسلامی بود (جدول ۱). در بین ۲۳۰۰ قطعه یاد شده، ۴۳۰ قطعه مربوط به تعدادی بودند که تشخیص دوران ساخت آن‌ها امکان‌پذیر نبود. در بین ۱۲۰۰ قطعه سفالینه‌های اسلامی به‌دست آمده، تعداد ۳۰۰ قطعه از نظر بازه‌ی زمانی، مربوط به قرون سوم تا پنجم و قرون میانی اسلامی (قرون ۵ تا ۸ هـ.ق) می‌شدند. سفالینه‌های قرون سوم تا پنجم در دو گروه بدون لعاب و لعاب‌دار تقسیم می‌شوند؛ سفال‌های لعاب‌دار این دوره شامل: تکرنگ ساده، منقوش با پوشش گلی و ظروف شانلوه می‌باشند. سفالینه‌های قرون میانه نیز شامل: بدون لعاب قالب‌زده، لعاب‌دار تکرنگ لاجوردی و فیروزه‌ای، سفالینه‌های منقوش با نقاشی زیرلعاب از جمله نوع معروف به قلم‌مشکی، سیلوتو، سفال‌های سبک سلطان‌آباد و سفال‌های منقوش با نقاشی زیرلعاب، شامل نوع معروف به زرین‌فام می‌باشند. تعداد ۹۰۰ قطعه از سفالینه‌های اسلامی محوطه، به‌دلیل آن‌که

► جدول ۱. نمونه‌ی سفال‌های دوران مختلف پیش‌ازتاریخی، تاریخی و اسلامی محوطه‌ی زینوآباد (نگارندگان، ۱۳۹۴).

نمونه‌های از سفالینه‌های اسلامی (نگارندگان)	نمونه‌های از سفالینه‌های تاریخی (اشکانی-ساسانی) (نگارندگان)	نمونه‌های از سفالینه‌های پیش‌از تاریخی (مس و سنگ) (نگارندگان)
		
		
		
		
		
		

هم ویژگی‌های سفال‌های ساسانی و هم ویژگی‌های سفال‌های اسلامی را داشتند و در دوران اسلامی نیز در طیف وسیعی از قرون نخستین تا قرون معاصر ساخته می‌شدند، حذف گردیدند. تشخیص بازه‌ی زمانی تولید سفال‌های اسلامی زینوآباد نیز با استفاده از مقایسه تطبیقی آن‌ها با مراکز بزرگ سفالگری اسلامی، میسر شده است.

### سفالینه‌های قرون اولیه‌ی اسلامی (تا نیمه‌ی اول سده‌ی پنج‌ه‌ق).

سفالینه‌های قرون اولیه‌ی اسلامی محوطه‌ی زینوآباد را در دو دسته: سفالینه‌های بدون لعاب و سفالینه‌های لعاب‌دار منقوش، می‌توان تقسیم نمود.

**سفالینه‌های بدون لعاب:** در محوطه‌ی زینوآباد از بین ۳۰۰ قطعه سفالینه‌های اسلامی شاخص، تنها ۴۰ قطعه معادل ۱۳/۳ درصد مربوط به گونه‌ی بدون لعاب می‌باشد. این قطعات (بدون لعاب) خمیره‌ی ساده به‌رنگ نخودی تا قهوه‌ای دارند. تقریباً تمامی آن‌ها چرخ‌ساز هستند و با دوغابی رقیق از جنس خمیره‌ی سفال، پوشیده شده‌اند. استفاده از ماده‌ی چسباننده‌ی ماسه و ماسه‌بادی در کنار پخت مناسب باعث گردیده که این سفال‌ها از کیفیت ساخت بالایی برخوردار باشند. سفال‌ها دارای اشکال متنوعی هستند که از آن جمله می‌توان به ظروف دهانه‌بسته، مانند خمره‌های کوچک، کوزه، آبخوری و ظروف معمولی، چون: کاسه، بشقاب و سینی اشاره کرد. به‌نظر می‌رسد تمامی این ظروف ساده عموماً کاربرد روزمره داشته‌اند.

از لحاظ ویژگی‌های تزئینی بیشتر سفال‌های بدون لعاب زینوآباد فاقد تزیین هستند؛ به‌ویژه ظروفی مانند: کاسه، بشقاب و سینی که حجم بیشتری از این گروه را به‌خود اختصاص داده‌اند. اما استفاده از تکنیک نقش‌کنده بر روی تعدادی دیده می‌شود. یکی از متداول‌ترین نقوش تزیینی، الگوهای کنده‌ی شانه‌ای هستند. تقریباً تمامی این تزیینات بر روی قسمت فوقانی ظروف، مانند گردن و شکم ظرف نقر شده است. سفالینه‌های ساده‌ی بدون لعاب، تقریباً در تمامی محوطه‌های اسلامی به‌دست آمده است؛ همچنین در منطقه‌ی همدان این‌گونه سفالی در بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی متعددی شناسایی شده است (جدول ۲).




سفالینه بدون لعاب ساده و با نقش کنده منطقه همدان	سفالینه بدون لعاب ساده و با نقش کنده منطقه همدان	سفالینه بدون لعاب با نقش کنده فرامنطقه ای
		
		
مجموعه دستکند زیرزمینی ارزاقود (خاکسار، ۱۳۹۰: الف-۶۴)	مجموعه دستکند زیرزمینی ارزاقود (خاکسار، ۱۳۹۰: الف-۶۴)	مجموعه دستکند زیرزمینی ارزاقود (خاکسار، ۱۳۹۰: الف-۶۴)
مجموعه معماری دستکند زیرزمینی ساین (خاکسار، ۱۳۹۰: ب)	مجموعه معماری دستکند زیرزمینی ساین (خاکسار، ۱۳۹۰: ب)	سفالینه بدون لعاب نیشابور (Wilkinson, 1973: 313)

جدول ۲. سفالینه‌های بدون لعاب زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

**سفالینه‌های لعاب‌دار:** این گروه از سفالینه‌های زینوآباد را بر اساس تکنیک کار تزیین می‌توان در ۳ دسته‌ی ظروف: لعاب‌دار تکرنگ، لعاب‌دار منقوش با پوشش گلی و ظروف منقوش با تکنیک شامپلیو، تقسیم کرد.

**ظروف لعاب‌دار تکرنگ ساده:** سفالگران دوران اسلامی، ابتدا با بهره‌گیری از دستاوردهای سفالگری دوران ساسانی و اشکانیان و در مرحله‌ی بعد با تأثیر از سفالگری چین (گروه، ۱۳۸۴: ۱۱۹)، از لعاب‌های قلیا و سربی مات سبز و سبز متمایل به آبی و فیروزه‌ای بهره می‌بردند (توحیدی، ۱۳۷۹: ۶۰). این ظروف در قرون اولیه به شکل ساده و سپس با تکنیک‌های متنوع ساخته می‌شد (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰: ۴۵۷).

کمترین تعداد قطعات سفالی شاخص محوطه‌ی زینوآباد مربوط به این گروه می‌باشد؛ به‌صورتی که در بین ۳۰۰ قطعه تنها ۷ قطعه معادل ۲/۳ درصد، در بین این گروه قرار می‌گیرند. تمامی این قطعات دست‌ساز بوده و از پخت مناسبی برخوردارند و خمیره آن‌ها به‌رنگ قهوه‌ای است. لعاب سبز رنگ سربی در هر پنج قطعه داخل و خارج ظروف را پوشانده است. نکته‌ی مهم در مورد پوشش این گروه از سفال‌ها این است که تمام سطح ظروف مورد نظر، قبل از آن که با لعاب سبز رنگ پوشانده شوند با استفاده از گلابه‌ای سفیدرنگ، لعاب‌داده شده‌اند. فرم آن‌ها نیز عموماً به شکل پیاله‌ها و کاسه‌های گرد کوچک می‌باشد. تمامی این قطعات بدون نقش هستند. نمونه‌های این سفال‌ها در نیشابور (Wilkinson, 1973)، قصرابونصر شیراز (Whitcomb, 1973)، شوش و سیراف (lane, 1947: pl.3) و سایت‌های دیگر به‌دست آمده است. در منطقه‌ی همدان به‌جز کاوش‌های باستان‌شناختی معبد لاتودیسسه در نهاوند (رهبر، ۱۳۹۱: ۲۰۰) نمونه‌های مشابه دیگری معرفی نشده است (جدول ۳).

سفالینه ساده لعاب‌دار تک رنگ منطقه همدان	سفالینه ساده لعاب‌دار تک رنگ منطقه همدان	سفالینه ساده لعاب‌دار تک رنگ فرامنطقه‌ای
		
	لاتودیسسه نهاوند (رهبر، ۱۳۹۱: ۲۰۰)	مجموعه قصر ابونصر شیراز (The Metropolitan Museum of Art) (Accession Number: 33.175.174)





جدول ۳. سفالینه‌های لعاب‌دار تکرنگ ساده‌ی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

**ظروف لعاب‌دار منقوش با پوشش گلی:** این گروه از سفال‌های لعاب‌دار بیشتر در مناطق تحت‌سلطه‌ی سامانیان یعنی شمال‌شرق ایران و سیرجان، لشکری‌بازار و احتمالاً بامیان (Whitehouse, 1992: 310) ساخته می‌شدند. در این نوع تزیین ظروف ابتدا تا قسمت بالای پایه در دوغابی از گل نخودی یا سفید (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰: ۴۶۰) فرو برده و پس از خشک شدن، تزیین می‌گردید و در نهایت به آن لعابی شیشه‌ای داده می‌شد (Fehervari, 2000: 50). لعاب شیشه‌ای باعث ثابت ماندن نقوش رنگی

در زیر لعاب شفاف می‌گردید (Jenkins, 1983: 11). ویلکنسون منشأ ظروف لعاب‌دار با پوشش گلی را نیشابور می‌داند (Wilkinson, 1973: 1). این نوع ظروف با عنوان «ظروف نخودی نیشابور» نیز معروف است. تنوع در جزئیات شیوه تزیین، رنگ‌مایه و نقش‌مایه‌ها باعث تقسیم‌بندی این ظروف در قالب گروه‌های مختلف گشته است. تنوع در جزئیات شیوه تزیین، رنگ‌مایه و نقش‌مایه‌ها باعث تقسیم‌بندی این ظروف در قالب گروه‌های مختلف گشته است؛ به‌صورتی که این ظروف بر اساس ویژگی‌های فرم (گروه، ۱۳۸۴: ۵۱) و نوع نقوش نیز دسته‌بندی شده‌اند (Watson, 2004: 205-251).











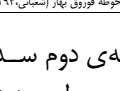
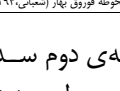

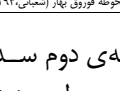
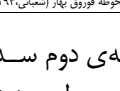

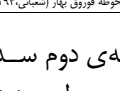
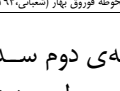
در بین سفالینه‌های شاخص مورد بررسی زینوآباد، تنها ۵ قطعه مربوط به سفالینه‌های منقوش گلابه‌ای است. این سفالینه‌ها چرخ‌سازند و خمیره‌ی آن‌ها در طیف رنگ قهوه‌ای قرار دارد. پوشش گلی این ظروف به مانند نمونه‌های مشابه خود در نیشابور به رنگ سفید یا شیری است. این پوشش، تنها داخل و قسمتی از لبه‌ی بیرونی ظرف را در بر گرفته است و خارج ظرف فاقد لعاب سربی بوده و تنها با استفاده از گلابه‌ای از جنس خمیره ظرف پوشیده شده است. در تزیین آن‌ها نیز از الگوهای هندسی استفاده شده است. این نقوش با استفاده از دو رنگ قهوه‌ای و اخراپی تزیین شده‌اند. بر این اساس این نوع ظروف زینوآباد را باید قابل مقایسه با گونه‌ی سفال لعاب گلی با نقوش سیاه روی زمینه‌ی سفید نیشابور دانست (Wilkinson, 1973: 90) با این تفاوت که در نمونه‌های زینوآباد به جای رنگ سیاه از رنگ قهوه‌ای و اخراپی استفاده شده است. در منطقه‌ی همدان، تنها نمونه‌های مشابه ظروف نیشابور از حفاری‌های معبد لائودیسه در نهاوند به دست آمده است (رهبر، ۱۳۹۰: ۴۳)، (جدول ۴).

▶ جدول ۴. سفالینه‌های منقوش با پوشش گلی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

سفالینه منقوش کلابه‌ای محوطه زینوآباد (نگارندگان)	سفالینه منقوش کلابه‌ای منطقه همدان	سفالینه منقوش کلابه‌ای فرامنطقه‌ای
		
		نیشابور (The Metropolitan Museum of Art, Accession Number: 40.170.577)
		
	لائودیسه نهاوند (رهبر، ۱۳۹۰: ۴۳)	منطقه سیستان (Watson, 2004: 230)

**ظروف منقوش با تکنیک شامپلیو یا شانلوه:** تکنیک شانلوه به نوعی برگرفته از تکنیک تزیین اسگرافیاتو است. تکنیک اسگرافیاتو در غرب ایران به دو صورت انجام می‌شده است؛ شیوه‌ی اول، به همان سبک و سیاقی بود که در مراکزی مانند نیشابور در شرق، اجرا می‌شد و شیوه‌ی دوم، روشی بود که سفالگران غرب ایران با تأثیر از اسگرافیاتوهای شرق، ابداع نمودند. در این روش برخلاف شیوه‌ی اول که نقوش بر روی بدنه ظرف نقر می‌شد، نقوش بر روی گلابه‌ی ظرف و بدون هیچ‌گونه برخورد با بدنه اصلی ظرف، ایجاد می‌گردید. این تکنیک امروزه با نام شامپلیو یا شانلوه شناخته می‌شود. در بسیاری از محوطه‌های غرب ایران ظروف با هر دو روش تزیینی به همراه یکدیگر شناخته شده است، اما با تکیه بر کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی صورت گرفته در منطقه‌ی همدان، می‌توان اظهار داشت که هیچ‌گونه ظروف سفالی با تکنیک اسگرافیاتو مشابه با نمونه‌های نیشابور در همدان تولید نمی‌شده است و ظروف موجود تماماً از نوع شانلوه هستند.

تعداد ۱۶ قطعه معادل ۵/۳ درصد از سفالینه‌های مورد بررسی زینوآباد مربوط به تکنیک شانلوه کار شده‌اند. این سفالینه‌ها چرخسازند و با دوغابی رقیق از جنس خمیره‌ی سفال که در طیفی از رنگ قهوه‌ای قرار دارند، پوشیده شده‌اند. اما تنها در بدنه‌ی داخلی آن‌ها از لعاب استفاده شده است و بدنه‌ی خارجی ساده و فاقد هرگونه آرایه‌ی تزیینی است. اشکال این‌گونه تنها در کاسه‌های کوچک و به‌ویژه بشقاب خلاصه می‌شود. آرایه‌های تزیینی به‌کار رفته در آن‌ها نیز مانند نمونه‌های نیشابور (Wilkinson, 1973: 74-89)، اغلب با اشکال خطی هندسی کار شده‌اند. مشابه این ظروف در همدان از تعداد زیادی از محوطه‌های باستانی معرفی شده است (جدول ۵).

سفالینه شبه شانلوه فرامناطقه‌های	سفالینه شبه شانلوه منطقه همدان	سفالینه شبه شانلوه منطقه زینوآباد (نگارندگان)
 احتمالاً نیشابور (گروه ۲۲۸۴؛ نمونه شماره: ۵۴)	 محوطه هگمتانه (زنجیران و بختیاری، ۱۳۹۲: ۳۶۰)	
	 تپه سرخاب کبودآهنگ (بلمکی، ۱۳۸۸: ۲۴)	
 سزای تپه قائمین (بختیاری، ۱۳۸۸: ۵۷۱)		 محوطه هگمتانه (هزبری، ۱۳۸۹: ۴۴۱)
 تپه امیرآباد ۱ کبودآهنگ (نظری ارشد، ۱۳۸۶: تصویر شماره: ۳۸۰)	 محوطه قوروق بهار (شمعانی، ۱۳۹۴)	
 The Accession Number: 33.175.50 قصر ابونصر شیراز (Metropolitan Museum of Art)		
 شمال غرب ایران (گروس) (Fehervari, 2000: 88)		

جدول ۵. سفالینه‌های شامپلیو یا شانلوه محوطه‌ی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامناطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

**سفالینه‌های قرون میانه** (نیمه‌ی دوم سده‌ی ۵ تا نیمه‌ی اول سده‌ی ۸ ه.ق.)؛ بیشترین حجم نمونه‌ی سفال‌های سطحی زینوآباد در بازه‌ی زمانی قرون میانه قرار می‌گیرند. از مجموع ۳۰۰ قطعه‌ی مورد بررسی ۲۳۲ قطعه معادل ۷۷/۳ درصد از کل سفالینه‌های شاخص مربوط به این گروه هستند که با تکنیک‌های مختلف رایج در این دوره (۵ تا ۸ ه.ق.) تزیین شده‌اند.

به‌نظر می‌رسد محوطه‌ی زینوآباد از این دوره به بعد بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. وجود انبوهی از سفالینه‌های این عصر بر روی سطح این محوطه، این موضوع را تأیید می‌کند. فرهنگ‌های سفالی شاخص این دوران شامل استفاده از خمیره‌ی سنگی در ساخت ظروف، فرم‌های جدید، مانند کاسه‌های دهان‌گشاد با پایه‌های گرد مقعر و لبه‌های T شکل و سبک‌های جدید تزیین ظروف مانند قالب‌زده، قلم‌مشکی، نقاشی زیرلعاب شفاف قلیایی، تلفیق زرین‌فام و لاجوردی و غیره می‌باشد که نمونه‌های آن در زینوآباد به‌دست آمده است.

**سفالینه‌های بدون لعاب قالب‌زده:** یکی از رایج‌ترین شیوه‌ی تزیین ظروف سفالی بدون لعاب در دوران سلجوقی، استفاده از شیوه قالب‌زده است. هر چند این روش در دوران ساسانی مرسوم بوده اما در دوران سلجوقی به اوج خود رسید (دژم‌خوی، ۱۳۸۶:



۲۸). قالب‌زده‌های سلجوقی به همراه لعاب تکرنگ نیز ساخته می‌شدند (همان). در مجموع بین ۳۰۰ قطعه سفال شاخص زینوآباد، ۱۷ قطعه، مربوط به سفالینه‌های قالب‌زده بدون لعاب است. تمامی این قطعات با استفاده از یک نوع قالب تزیین شده‌اند. بدین صورت که بر روی کناره‌ی ظرف (قسمت بالایی) نقوش به شکل خطوط داندانه‌دار در اندازه‌های یک تا ۳ سانتی‌متر قرار گرفته‌اند. در یک مورد از این قطعات، بین نقوش ذکر شده، دواپری با زائده‌های منجوقی شکل کار شده است. هرچند تمامی این قطعات پخت مناسبی دارند، اما تشخیص نوع ساخت و فرم آن‌ها به دلیل اندازه‌ی کوچک، ممکن نیست. تمامی خمیره‌ی این سفالینه‌ها در دو رنگ نخودی و قهوه‌ای قرار دارد، داخل و خارج آن‌ها نیز با استفاده از دوغابی از جنس خمیره‌ی خود سفال پوشیده شده است. نمونه‌های مشابه این نوع تزیین در نیشابور (Wilkinson, 1973) و محوطه‌ی قصر ابونصر (Whitcomb, 1973) به دست آمده است. تعداد محدودی از سفالینه‌های مشابه این‌گونه در همدان معرفی شده است (جدول ۶).

► جدول ۶. سفالینه‌های بدون لعاب قالب‌زده محوطه‌ی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

سفالینه بدون لعاب قالبی فرامنطقه‌ای	سفالینه بدون لعاب قالبی منطقه همدان	سفالینه بدون لعاب قالبی محوطه زینوآباد (نگارندگان)
		
نیشابور (Wilkinson, 1973: 359)	محوطه هگمتانه (رنجبران و بختیاری، ۱۳۹۲: ۳۷۷)	
		
قصر ابونصر شیراز (Whitcomb, 1973: 81)	ویلاب تپه فامنین (فصل دوم) (بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۶۰)	

### سفالینه‌های ساده با لعاب تکرنگ لاجوردی و فیروزه‌ای:

این ظروف در دوران اسلامی و در ادامه‌ی دوران تاریخی، با استفاده از رنگ‌هایی چون: لاجوردی، آبی، سبز، زرد، قهوه‌ای، سفید و بیشتر از همه، لعاب آبی و فیروزه‌ای آرایش می‌شدند (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۳۰). سفالگران دوران سلجوقی این نوع ظروف را در ابتدا به شکل ساده که متأثر از ظروف چینی بود، تولید می‌کردند (گروه، ۱۳۸۴: ۱۲۹). از مجموعه سفالینه‌های شاخص محوطه‌ی زینوآباد ۲۱ قطعه، معادل ۶ درصد آن‌ها مربوط به ظروف لعاب‌دار تکرنگ است که بر اساس نوع رنگ لعاب، در دو گروه تقسیم می‌شود. گروه اول با لعاب تکرنگ لاجوردی تیره پوشیده شده‌اند و گروه دوم سفالینه‌های هستند که برای پوشش آن‌ها از لعاب فیروزه‌ای استفاده شده است. در ساخت هر دو گروه، دو نوع خمیره نخودی و خمیره‌ی سنگی یا فریت به کار رفته است. ویژگی دیگری که این ظروف را از هم متفاوت می‌کند، وجود اشکله‌ی لعاب در پایه‌ی ظروف تکرنگ لاجوردی است. اشکله کردن لعاب در این نوع ظروف به دلیل طرز قرارگیری آن‌ها در کوره است. بر اساس فرم پایه، این نوع ظروف زینوآباد مربوط به کاسه‌هایی با پایه‌های بلند مدور مقعر، با بدنه محدب و لبه متمایل به خارج می‌باشند که تولید آن‌ها در بین قرون ششم تا هشتم رواج داشته است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۳۱)؛ علاوه بر این، تعدادی کاسه با فرم لبه T شکل نیز وجود دارد. این نوع کاسه‌ها با پایه‌ی بلند مدور مقعر در قرون ۷ و هشتم هـ.ق. رواج داشتند (همان: ۴۲). ظروف با لعاب یک‌رنگ، یکی از فراوان‌ترین گونه‌های سفالی در تمام ادوار اسلامی

است. در منطقه‌ی همدان نیز این نوع ظروف در بسیاری از کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی به‌دست آمده است (جدول ۷).

جدول ۷. سفالینه‌های لعاب‌دار ساده‌ی تکرنگ لاجوردی و فیروزه‌ای محوطه‌ی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

سفالینه‌های لعاب‌دار ساده تکرنگ لاجوردی و فیروزه‌ای محوطه زینوآباد (نگارندگان)	سفالینه‌های لعاب‌دار ساده تکرنگ لاجوردی و فیروزه‌ای منطقه همدان تیه دربند شهرستان ملایر (نظری‌ارشاد، ۱۳۸۶ الف: تصویر شماره ۵۸۲)	سفالینه‌های لعاب‌دار ساده تک رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای فرامنطقه‌ای
		
	لاتودیه نهاوند (رهبر، ۱۳۹۱: ۱۵۵)	محوطه تخت‌سلیمان (Haddon, 2011: 98)
	تیه بونجه‌زار شهرستان تویسرکان (نظری‌ارشاد، ۱۳۹۱: ۱۴۷)	
	محوطه درگزین شهرستان رزن (زارعی، ۱۳۹۱: ۳۰۲)	محوطه تخت‌سلیمان (Morgan, 2005: LV 1,4)

### سفالینه‌های منقوش با نقاشی زیرلعاب:




هرچند روش تزیین نقاشی زیرلعاب از اوایل اسلام به‌ویژه در قرون سوم و چهارم هـ.ق. در شمال و شمال شرقی ایران مرسوم بود، اما قدیمی‌ترین نمونه تاریخ‌دار این نوع سفالینه متعلق به نیمه‌ی دوم قرن ششم هـ.ق است (گروبه، ۱۳۸۴: ۱۳۸). این نوع روش تزیین با عناوینی از قبیل نقاشی بر روی آستر لعاب و قلم‌مشکی نیز معروف است. در این روش، ابتدا سفالینه با یک لایه‌ی گلابه سفید، زرد، آبی یا لاجوردی و سیاه، پوشیده می‌شد و سپس در کوره پخته شده و برای نقش‌اندازی آماده می‌گردید (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۴۶۹). رایج‌ترین تزیین این نوع سفالینه‌ها، ظروفی است که با رنگ آبی بر روی زمینه‌ی سفید نقاشی شده‌اند (Grube, 1976: 177).

### سفالینه‌های قلم‌مشکی: تمامی سفالینه‌های موسوم به قلم‌مشکی زینوآباد

با استفاده از خمیره‌ی سنگی ساخته شده‌اند. فرم این ظروف متنوع و شامل: کاسه‌های کوچک با بدنه‌های مقعر، بشقاب‌های پهن با زاویه‌ای در بدنه و کاسه‌های دهان‌گشاد با پایه‌های بلند مقعر و لبه‌های تخت T شکل است. ظروف قلم‌مشکی زینوآباد را می‌توان بر اساس رنگ‌های به‌کار رفته در دو سبک جداگانه مورد بررسی قرار داد. سبک اول: این نوع سفالینه‌ها مربوط به ظروفی است که با استفاده از رنگ سیاه بر روی زمینه‌ی فیروزه‌ای تزیین شده‌اند. تزیینات این ظروف با استفاده از الگوهای هندسی و گیاهی کار شده است. تعداد ۱۰۳ قطعه از سفالینه‌های مورد بررسی مربوط به این گروه است که از نظر حجمی، بیشترین نمونه‌های به‌دست آمده را به‌خود اختصاص داده‌اند. نمونه‌های قابل‌مقایسه‌ی این نوع ظروف زینوآباد در محوطه‌های تخت‌سلیمان، سلطانیه، سلطان‌آباد و کاشان به‌دست آمده است. در همدان این نوع سفالینه در تعداد زیادی از کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی معرفی شده است (جدول ۸).

سبک دوم: این گروه از ظروف نقاشی زیرلعاب با استفاده از رنگ آبی بر روی زمینه‌ی سفید یا شیری کار شده است. به‌جز استفاده از رنگ متفاوت، تمامی موارد

► جدول ۸. سفالینه‌های قلم‌مشکی (سبک اول) محوطه‌ی زینوآباد (نگارندگان) نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

سفالینه قلم‌مشکی (سبک اول) محوطه زینوآباد (نگارندگان)	سفالینه قلم‌مشکی (سبک اول) منطقه همدان	سفالینه قلم‌مشکی (سبک اول) فرامنطقه‌ای
	 کول‌تپه شهرستان همدان (شعبانی، ۱۳۹۴)	
	 مجموعه دستکند زیرزمینی ارزاقود (خاکسار، ۱۳۹۰ الف: ۲۳۹)	سلطان‌آباد (V&A Museum, no: 41-1908)
	 مجموعه معماری دستکند سامن (هستی و دیگران، ۱۳۹۴)	
	 محوطه هگمتانه (رنجبران و بختیاری، ۱۳۹۲: ۴۶۸)	کاشان (The Metropolitan Museum of Art) (Accession Number: 68.215.11)









تکنیکی این ظروف مشابه با ظروف سبک اول می‌باشد. تنها تعداد ۲۶ قطعه از قطعات شاخص مورد بررسی زینوآباد مربوط به این سبک تزئینی است. حجم کم این سبک سفالی در بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی منطقه‌ی همدان نیز دیده می‌شود (جدول ۹).

► جدول ۹. سفالینه‌های قلم‌مشکی (سبک دوم) محوطه‌ی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

سفالینه قلم‌مشکی (سبک دوم) زینوآباد (نگارندگان)	سفالینه قلم‌مشکی (سبک دوم) منطقه همدان	سفالینه قلم‌مشکی (سبک دوم) فرامنطقه‌ای
	 مجموعه معماری دستکند زیرزمینی سامن (خاکسار، ۱۳۹۰ ب)	
	 مجموعه دستکند زیرزمینی ارزاقود (خاکسار، ۱۳۹۰ الف: ۱۸)	محوطه تخت‌سلیمان (Haddon, 2011: 94)
	 چال تپه بخش سامن ملایر (بختیاری، ۱۳۸۷: ۴۷۶)	محوطه تخت‌سلیمان (Haddon, 2011: 95)












**سفالینه‌های سبک سیلوتو:** از جمله تکنیک‌های غیرمتداول تزئین کردن سفال در قرون میانه‌ی اسلامی، استفاده از تکنیک نقوش تراشیده زیرلعاب است که امروزه با عنوان سبک «سیلوتو» شناخته می‌شود (Caldwell, 1967). در این روش، سفالینه با دو رنگ آبی و سیاه زیرلعاب شفاف پوشیده می‌شود و سپس به‌منظور نقش‌اندازی، لعاب فوقانی بر اساس موتیف‌های متنوع گیاهی، جانوری و انسانی تراشیده و لعاب تحتانی با رنگ مخالف ظاهر می‌گردد. پنج قطعه از یافته‌های سفالی زینوآباد مربوط به این گروه است. سفالینه‌های سیلوتو از مراکز می‌مانند کاشان، ری، جرجان و شمال غرب ایران به‌دست آمده است (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۷۰). سفال سیلوتو در تعدادی از پژوهش‌های باستان‌شناختی منطقه‌ی همدان معرفی شده است (جدول ۱۰).

**سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد:** در ادامه‌ی تولید سفالینه‌های نقاشی زیرلعاب، در قرن هشتم ه.ق. نوع جدیدی از این گونه رواج پیدا می‌کند که به «سبک سلطان‌آباد» معروف هستند. در واقع سفال‌های سلطان‌آباد، به‌عنوان سفال مشخص قرن هشتم ه.ق. شناخته می‌شوند. این سبک سفالی به‌شدت متأثر از منسوجات (lane, 1971: 3-6) و سرامیک‌های وارداتی چینی بود (Morgan, 1991). این تأثیر در تقلید الگوهای تزئینی نیز دیده می‌شود (دیماند، ۱۳۶۵: ۱۸۹) در بین یافته‌های سفالی

سفالینه قلم مشکی سبک سیلوتو فرامنطقه‌ای	سفالینه قلم مشکی سبک سیلوتو منطقه همدان	سفالینه قلم مشکی سبک سیلوتو زینوآباد (نگارندگان)
	 تپه علی آباد بخش زند ملایر (جانجان، ۱۳۶۱: ۴۷۹)	
	 تپه گلدسته ملایر (نظری ارشد، ۱۳۸۶ الف: تصویر شماره ۵۱۱)	
	 محوطه هگمتانه (زنجیران و بختیاری، ۱۳۶۲: ۴۹۸)	
The Metropolitan Museum of Art, (Accession Number: 20.120.64)		
سیلوتو ایران (Freer and Sackler Gallery, Accession Number: F1909.128)		

جدول ۱۰. سفالینه‌های سیلوتو محوطه‌ی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

شاخص زینوآباد، متنوع‌ترین گونه مربوط به این گروه هستند. تعداد ۵۸ قطعه در گروه سفالینه‌های معروف به این سبک قرار می‌گیرند. تمامی این قطعات با خمیره‌ی سنگی یا فریت ساخته شده‌اند. فرم آن‌ها نیز عموماً مربوط به کاسه‌های مخروطی شکل دهان گشاد با لبه‌های تخت T شکل و بشقاب‌های پهن با زاویه‌ای در بدنه می‌شود. به علت ناکافی بودن تحقیقات باستان‌شناسی و عدم مدارک کافی لازم، مراکز مهم ساخت این نوع سفالینه هنوز به روشنی مشخص نیست، اما بررسی‌های «پوپ» نشان از آن دارد که ناحیه‌ی سلطان‌آباد (اراک امروزی) یکی از اصلی‌ترین هسته‌های تولید این نوع سفالینه می‌باشد. علاوه‌بر این ناحیه در اطراف ری نیز نمونه‌های این نوع سفال به دست آمده است (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۸۶۰). نمونه‌های مشابه این سفالینه در همدان در تعداد محدودی از کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی معرفی شده است (جدول ۱۱).





سفالینه سبک سلطان‌آباد فرامنطقه‌ای	سفالینه سبک سلطان‌آباد منطقه همدان	سفالینه سبک سلطان‌آباد زینوآباد (نگارندگان)
 بیسون (Luschey-Schmeisser, 1996: 233)	 تپه گیر قلعه فامین (بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۸)	
 تخت سلیمان (Haddon, 2011: 77)	 مجموعه دستکند سامن (هنتی و دیگران، ۱۳۶۴)	
 سلطان‌آباد (Freer and Sackler Gallery, Accession Number: S1997.129)	 مجموعه دستکند ارزفود (زارعی و دیگران، ۱۳۶۳: ۸۷)	
	 محوطه هگمتانه (زنجیران و بختیاری، ۱۳۶۲: ۴۹۸)	

جدول ۱۱. سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد محوطه‌ی زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

**سفالینه‌های منقوش با نقاشی روی لعاب:** هرچند سابقه‌ی نقاشی روی لعاب به قرون اولیه‌ی اسلامی برمی‌گردد، اما گسترش و تحول استفاده‌ی آن از دوران سلجوقی و خوارزمشاهی به بعد با ظروف معروف به مینایی و زرین‌فام یا طلایی و ظروف لاجوردی طالانشان که ساده‌تر از ظروف مینایی است، دیده می‌شود. بررسی‌ها نشان از آن دارد که سفال زرین‌فام، اولین بار در مصر تولید می‌شده است (واتسون، ۱۳۸۲: ۱۹-۱۶)، اما در ایران نمونه‌های اولیه‌ی سفال زرین‌فام یا دوآتشه که در حدود

قرن هفتم و هشتم، «لیقه» خوانده می‌شد (محمدی فر و بلمکی، ۱۳۹۳: ۹۷)، از نیشابور به‌دست آمده است (Wilkinson, 1973: 19)؛ اوج عظمت و اعتلای این نوع ظروف مربوط به قرون میانه‌ی اسلامی است که با عنوان «سبک کاشان» (واتسون، ۱۳۸۲) یا «زرین‌فام‌های قرون میانی» شناخته می‌شوند. در میان یافته‌های سفالی شاخص زینوآباد، تنها ۲ قطعه با تکنیک نقاشی روی لعاب، قرار دارد. یکی از این قطعات مشابه کاسه‌های قلم‌مشکی دارای لبه تخت T شکل است. این قطعه که از کیفیت ساخت بالای برخوردار است، با استفاده از خمیره‌ی سنگی ساخته شده است. هر دو طرف ظرف با استفاده از لعاب مات سفید رنگ پوشیده شده است. الگوهای هندسی با استفاده از رنگ طلایی به همراه لاجوردی بر روی این لعاب کار شده است. قطعه‌ی دوم نیز از لحاظ تکنیکی مشابه نمونه‌ی اولی است، با این تفاوت که در ساخت آن از خمیره‌ی نخودی استفاده شده است. همچنین در تزیین این قطعه تنها رنگ طلایی مورد استفاده قرار گرفته است. فرم این ظرف نیز متفاوت بوده و شامل کاسه‌ی مدور با لبه‌ی صاف می‌باشد. این نوع از سفالینه‌های زینوآباد مشابه زرین‌فام‌های کاشان و ری می‌باشد. در منطقه‌ی همدان این نوع سفال تنها در حفاری‌های مجموعه‌ی دستکند زیرزمینی سامن معرفی شده است (همتی‌ازندریانی و دیگران، ۱۳۹۴)، (جدول ۱۲).

► جدول ۱۲. سفالینه‌های زرین‌فام زینوآباد و نمونه‌های مشابه منطقه‌ای (همدان) و فرامنطقه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۴).

سفالینه زرین‌فام فرامنطقه‌ای	سفالینه زرین‌فام منطقه همدان	سفالینه زرین‌فام محوطه زینوآباد (نگارندگان)
 کاسه زرین‌فام از ایران (Freer and Sackler Gallery, ) (Accession Number: F1908.161)		
 کاسه زرین‌فام کاشان (V&A Museum, number: C.1955-1910)	مجموعه دستکند زیرزمینی سامن (همتی و دیگران، ۱۳۹۴)	

## نتیجه‌گیری

وجود حجم زیادی از سفالینه‌های اسلامی در محوطه زینوآباد نشان می‌دهد که این محوطه به همراه محوطه‌ی تاریخی هگمتانه، یکی از مهم‌ترین مراکز زیستی دشت همدان-بهار در دوران اسلامی و به‌ویژه قرون میانی بوده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که در این محوطه‌ی ۶ هکتاری انواع تکنیک‌های سفالگری دوران اسلامی شناخته شده بود. سفالینه‌های اسلامی زینوآباد را می‌توان در دو گروه سفالینه‌های قرون اولیه‌ی اسلامی و قرون میانی طبقه‌بندی نمود. نمونه‌ی سفال‌های قرون اولیه‌ی زینوآباد قابل مقایسه با مراکز بزرگ سفالگری خارج از منطقه‌ی همدان از قبیل: نیشابور، تخت‌سلیمان، سیراف و غیره هستند. در منطقه‌ی همدان نیز شباهت فراوانی بین سفالینه‌های اسلامی این محوطه و سفالینه‌های اسلامی محوطه‌هایی همچون: هگمتانه، مجموعه دستکند زیرزمینی ارزانفود و سامن و لائودیسسه‌ی نپاوند وجود دارد. اما سفالینه‌های قرون میانی زینوآباد که پراکنش آن‌ها در سطح وسیع‌تری قرار دارد، قابل مقایسه با مراکز شناخته شده‌ای همچون: تخت سلیمان، سلطانیه، سلطان‌آباد، کاشان و غیره هستند؛ علاوه‌بر این در منطقه‌ی همدان نیز سفالینه‌های قرون میانی

محوطه‌های همچون: هگمتانه، مجموعه دستکند زیرزمینی ارزانفود و سامن، لائودیسه نهاوند، شباهت‌های فروانی با سفالینه‌های زینوآباد دارند. بدین ترتیب می‌توان اظهار داشت که محوطه‌ی زینوآباد در قرون میانه‌ی اسلامی و به‌ویژه در دوره‌ی ایلخانی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل موقعیت ویژه‌ی این محوطه در قرون میانی، قرارگیری آن در کنار مسیر ارتباطی همدان به سلطانیه و ساوه باشد. بر اساس مطالعات صورت گرفته در این محوطه، هیچ‌گونه شواهدی از تولید سفالینه، شامل بقایای کوره و سرباره مشاهده نگردیده است و بدون انجام کاوش‌های باستان‌شناسی نمی‌توان در این باره اظهار نظر نمود.

### پی‌نوشت

1- Champlevé.

۲- پیتز مورگان، در نوشتاری به تفصیل انواع اسگرافیاتو، کانون‌های تولید و پراکندگی آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است (گروه، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۰۵).

### کتابنامه

- بختیاری، ذبیح‌الله، ۱۳۸۷، «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی بخش سامن شهرستان ملایر»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- بختیاری، ذبیح‌الله، ۱۳۸۸، «بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی بخش شراه و فامنین شهرستان همدان (فصل دوم)»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- بلمکی، بهزاد و مترجم، عباس، ۱۳۸۸، «بررسی باستان‌شناختی شهرستان بهار»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- بلمکی، بهزاد، ۱۳۸۸، «بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش شیرین‌سو و تکمیل بخش مرکزی شهرستان کبودراهنگ»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- پوپ، آرتور آ. و اکرم‌ن، فیلیپس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران، ترجمه: نجف دریابندی، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- جانجان، محسن، ۱۳۹۱، «گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی بخش زند و مرکزی شهرستان ملایر»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- خاکسار، علی، ۱۳۸۹ الف، «اولین فصل از پژوهش‌های باستان‌شناختی مجموعه دستکند زیرزمینی ارزانفود»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- خاکسار، علی، ۱۳۸۹ ب، «فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناختی مجموعه دستکند زیرزمینی سامن»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- خاکسار، علی، ۱۳۹۰ الف، «دومین فصل از پژوهش‌های باستان‌شناختی مجموعه دستکند زیرزمینی ارزانفود»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- خاکسار، علی، ۱۳۹۰ ب، «فصل چهارم کاوش‌های باستان‌شناختی مجموعه دستکند زیرزمینی سامن»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- دژم‌خوی، مریم، ۱۳۸۶، «نظری اجمالی به سفال قالب‌زده‌ی عصر سلجوقی»، *باستان پژوهی*، تهران، سال نهم، شماره ۱۵، صص ۲۷-۳۱.

- دیمانده، موریس اسون، ۱۳۶۵، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه: عبدالله فریار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رنجبران، محمدرحیم، ۱۳۸۲، «فصل دوم کاوش‌های باستان‌شناختی صحن مسجد جامع همدان»، آرشیو پایگاه هگمتانه (منتشر نشده).
- رنجبران، محمدرحیم و بختیاری، ذبیح‌الله، ۱۳۹۲، «گزارش نهایی فصل اول و دوم، از دور چهارم کاوش‌های باستان‌شناختی تپه هگمتانه»، آرشیو پایگاه هگمتانه (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، ۱۳۹۰، «گزارش مقدماتی دومین فصل گمانه‌زنی در نهبوند به‌منظور شناسایی معبد لاؤودیسه»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- رهبر، مهدی، ۱۳۹۱، «گزارش سومین فصل گمانه‌زنی در نهبوند به‌منظور شناسایی معبد لاؤودیسه»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم، خاکسار، علی، مترجم، عباس، امینی، فرهاد، دینی، اعظم، ۱۳۹۳، «بررسی و مطالعه‌ی سفال‌های دوره‌ی ایلخانی به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود»، *مطالعات باستان‌شناسی*، تهران، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۷۳-۹۰.
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۱، «گزارش نهایی کاوش باستان‌شناسی شهر دوره‌ی اسلامی درگزین»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۶، *فرهنگ جغرافیایی شهرستان همدان*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- شعبانی، محمد، ۱۳۹۴، «بررسی الگوهای استقرار قرون نخستین اسلامی تا اواخر دوران صفوی حوزه‌ی مرکزی همدان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه بوعلی‌سینا، دانشکده‌ی هنر و معماری (منتشر نشده).
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۰، *تئوری و عمل در باستان‌شناسی* (با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی)، تهران: چاپ دوم، سازمان میراث‌فرهنگی کشور، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی.
- کامبخش‌فرد، سیفالله، ۱۳۸۰، *سفال و سفالگری در ایران (از ابتدا نوسنگی تا دوران معاصر)*، تهران: انتشارات ققنوس.
- کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۴، *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران*، تهران: چاپ اول، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- کیانی، محمدیوسف، ۱۳۸۰، *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*، تهران: انتشارات نسیم دانش.
- گروبه، ارنست، ۱۳۸۴، *سفال اسلامی*، ترجمه: فرناز حائری، تهران: نشر کارنگ.
- محمدی‌فر، یعقوب و بلمکی، بهزاد، ۱۳۹۳، «هنر سفالگری در دوره‌ی صفویه، بررسی تکنیک و نقش‌مایه‌های هنری»، *نشریه‌ی هنرهای زیبا*، تهران، شماره ۳۵، صص ۱۰۲-۹۳.
- محمدی‌فر، یعقوب و مترجم، عباس، ۱۳۸۵، «پروژه‌ی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش مرکزی همدان»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- نظری‌ارشد، رضا، ۱۳۸۶الف، «پروژه بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش جوکار و مرکزی شهرستان ملایر»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- نظری‌ارشد، رضا، ۱۳۸۶ب، «پروژه بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان

کبودرآهنگ (فصل دوم)»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).  
- نظری‌ارشد، رضا، ۱۳۹۱، «بررسی، شناسایی و مستندسازی تکمیلی آثار باستانی شهرستان همدان (بخش مرکزی) و شهرستان تویسرکان»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).  
- نیکنامی، کمال‌الدین، ۱۳۸۷، *روش‌های تحلیل کمی در پژوهش‌های باستان‌شناسی*، تهران: چاپ اول، انتشارات سمت.  
- هژبری، علی، ۱۳۸۹، «بازنگری تعیین عرصه و حریم محوطه تاریخی هگمتانه»، آرشیو اداره‌ی کل میراث‌فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).  
- همتی‌ازندریانی، اسماعیل، شعبانی، محمد و خاکسار، علی، ۱۳۹۴، «بررسی و تحلیل سفال‌های دوره‌ی اسلامی مجموعه معماری دستکند زیرزمینی سامن ملایر»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، همدان (زیر چاپ)*.  
- واتسون، آلیور، ۱۳۸۲، *سفال زرین فام ایرانی*، ترجمه: شکوه آذری، تهران: چاپ اول، انتشارات سروش.

- Caldwell, J.R., 1967, "Investigation Tal-i-Iblis Illinois State Museum Preliminary Reports, No. 9, Springfield: Ill.
- Fehervari, G., 2000, *Ceramics of The Islamic World In The Tareq Rajab Museum*. I.B Tauris Publishers London, New York.
- Grube, E. J., 1976, *Islamic pottery of the Eight to the Fifteenth Century in the Keir Collection*, London, Faber.
- Haddon, R.A.W., 2011, "Fourteenth century fine glazed wares produced in the Iranian world, and comparisons with contemporary ones from the Golden Horde and Mamlūk Syria/Egypt", Ph.D. Thesis. SOAS, University of London.
- Jenkins, M., 1983, "Islamic Pottery: A Brief History", *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*. vol. 40, no. 4, PP. 1-53.
- Lane, A., 1947, *Early Islamic Pottery: Mesopotamia, Egypt and Persia*. London, 2nd ed., London, Faber and Faber Ltd, 1971.
- Lushey-Schmeisser, I., 1996, "Die Keramik aus dem Mongolischen Gebäude, in eds W Kleiss and P Calmeyer, Bisitun", *Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967, Teheraner Forschungen 7*, Berlin: Gebr, pp 221-40.
- Morgan, Peter, H., 1991, "New Thoughts on Old Hormuz: Chinese Ceramics in the Hormuz Region in the Thirteenth and Fourteenth Centuries", *Iran* 29, pp. 67-83.
- Morgan, Peter, H., 2005, *Change and Continuity in Il-Khanid Iran: the Ceramic Evidence*. Unpublished Oxford DPhil thesis, 4 vols, c. 1981.
- Watson, O., 2004, *Ceramics from Islamic Lands*, London, Thames & Hudson Ltd.
- Whitehouse, D., 1992, "Ceramics XIII, The Early Islamic Period, 7<sup>th</sup>-11<sup>th</sup> Centuries", In: *Encyclopedia Iranica*, Edited by: Ehsan Yarshater, vol. 5, California, Mazda Publishers, PP. 308-311.
- Whithcomb, D. S., 1973, *Before the Roses and Nightingales Excavations at Quasr i Abu Nasr Old Shiraz*, The Metropolitan Museum of Art, New York.
- Wilkinson, C.U., 1973, *Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period*, The Metropolitan Museum of Art, New York.